

## خواستہ ها و مطالبات زنان ایران ، دو دهہ پس از قیام بہمن

قریب بہ دو دهہ از قیام بہمن ۵۷ و حاکمیت یکی از ارتجاعی ترین رژیمہای معاصر میگذرد. طی این دوران جمهوری اسلامی با توسل بہ قوانین و احکام قرون وسطائی، حق حیات اجتماعی و سیاسی را از زنان سلب نموده و از هیچ جنایت و سرکوبی فرو گذار نموده است.

سرکوب زنان از همان بدو بہ قدرت خزیدن جمهوری اسلامی دردستور کار قرار گرفت و دستجات اراذل و اوباش بہ تجمعات زنان حملہ ور شدند. وحشیانہ ترین شیوہ ها بہ کار گرفته شد تا زنان معترض را از میدان بہ درکنند. بہ موازات اعمال این روشها، ستم و تبعیض بر زنان رسمی و قانونی شد. ابتدائی ترین حقوق و آزادیہای فردی از زنان سلب شد و مہر قانون بر آن نقش بست. زنان از کلیہ حقوق سیاسی و اجتماعی محروم گشتند و سرکوب لجام گسیخته زنان وسیعاً بہ مورد اجرا درآمد. دراینجا بہ دو نمونہ از این سرکوب ها ی وسیع اشارہ میشود: طبق آمارہای رسمی ارائه شدہ از سوی منابع دولتی، تنها در سال ۷۲، بیش از ۱۱۳۰۰۰ مورد دستگیری زنان بہ جرم «بدحجابی» صورت گرفته است، یعنی در ہر ۵ دقیقہ یک زن بہ جرم نداشتن «پوشش مجاز» دستگیر شدہ است. آمار دیگری کہ از سوی سازمان تعزیرات حکومتی منتشر شدہ است، تعداد پروندہ های بررسی شدہ توسط این ارگان را از بدو تشکیل تاکنون بالغ بر یک میلیون و ۱۶۰ ہزار فقرہ ذکر میکند.

تحت چنین شرایطی است کہ زنان بہ مخالفت با جمهوری اسلامی برخاستہ و بہ رویارویی مستقیم با حاکمیت کشاندہ میشوند. این امر گرچہ درابتدا، بطئی بود، اما طی سالہای اخیر، شتاب بیشتری بہ خود گرفته است. اگر در سالہای گذشتہ نمود این رویارویی ها چندان محسوس نبود، امروز شکل گسترده آن را در اعتراضات زنان بہ موقعیت نابرابر خود در عرصہ های اجتماعی، سیاسی و حقوقی میتوان مشاہدہ نمود. یک نمونہ بارز این اعتراضات در اواسط آذرماہ سال جاری رخ داد. با این کہ رسانہ های دولتی، زنان را از حضور در مراسم استقبال از بازیکنان فوتبال منع میکردند، بیش از ۵۰۰۰ زن وارد استادیوم شدہ و خواست خود را بہ کرسی نشانند.

ہراس از چنین مواردی است کہ مسئلہ زن را بہ یکی از معضلات اساسی حاکمیت تبدیل نموده است و رژیم را بر آن داشته کہ بہ انحاء مختلف بہ مہار این اعتراضات دست بزند. از سرکوب عنان گسیخته زنان گرفته تا ابداع و تاسیس سازمانها و گروہهای زنان. یک شبہ دهہا سازمان و گروہ زنان توسط افراد و عناصر وابستہ با ادعای جانبداری از زنان شکل میگیرد تا مبارزات زنان را بہ کجراہہ ببرند و از سوی دیگر با جعل و تحریف حقایق و انعکاس آنها، وجہہ ای در محافل و مجامع بین المللی کسب نمایند. در ہمین رابطہ بود کہ اخیراً خبرگزاری جمهوری اسلامی بہ انعکاس غیر

واقعی یک خیر در سطح جهانی دست زد. در این خیر چنین های گروهی طرفدار ادعا شده بود که در ایران اسلامی، برای اولین بار چهار زن به سمت قاضی منصوب شده اند. رسانه رژیم نیز این مسئله را با بوق و کرنا منتشر ساختند. اما منصوب گشته بودند اصل قضیه این بود که این چهار تن، قدرت صدور حکم نداشته و تنها به عنوان دستیار قاضی با توجه به موارد فوق، میتوان دریافت که زنان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از بی حقوقی مطلق و تبعیض و ستم رنج میبرند. در چنین شرایطی مطالبات و خواسته های زنان کدام است؟

کسب حقوق یایمال شده فردی و اجتماعی، محور مطالبات زنان است. از آزادی پوشش، حق انتخاب رشته تحصیلی، کار، همسر، حق مسافرت، تالغو قوانین ارتجاعی و مربوط به چند همسری و صیغه. لغو قوانین ارتجاعی در چار چوب خانواده از جمله طلاق، حضانت فرزندان، ارث و... وجه دیگری از مطالبات و خواسته های فوری زنان است. ضمنا نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی علاوه بر اعمال قوانین ارتجاعی مبتنی بر اسلام، یک رژیم سرمایه داری است و لذا علاوه بر تبعیض جنسی، ستم طبقاتی نیز اعمال مینماید. از همین رو است شمار و فقر و فاقه که بخش اعظم جامعه از آن در عذابند، نیز بخش وسیعی از زنان را به مبارزه با رژیم میکشانند. از همین روست که باید پتانسیل و رادیکالیسم موجود در مبارزات زنان را ارتقاء داد. خصوصا که اخیرا مسئله زن درویشترین تبلیغاتی بسیاری از جریانات و اقشاری قرار گرفته که خود ید طولائی در اعمال سرکوب علیه زنان داشته اند. شکسجه گران دیروز زندانهای جمهوری اسلامی، امروز در نقش فعالین امور زنان در ارگانها و نهادهای جدید التاسیس عرض اندام میکنند تا از این طریق بروج اعتراضات سوار شده و از پیشروی آنها جلوگیری کنند.

از سوی دیگر، مدعیان «جامعه مدنی» اند که در پس شعارهای دروغین، در پی حفظ و تداوم حاکمیت قوانینی هستند که بر نقش درجه دوم زن تاکید دارد. اگر وعده و وعیدهای خاتمی و طرفدارانش در هر زمینه ای بتواند مدتی توهم بیافریند، قطعا در مورد مطالبات و خواسته های زنان هیچگونه توهمی نمیتواند ایجاد کند، مادام که جدائی دین از دولت متحقق نگشته باشد، بربریت و توحش جزء لاینفکی از حاکمیت خواهد بود. در چنین شرایطی حتی حقوق دمکراتیک زنان که بعضا در جوامع بورژوائی تحت تاثیر مبارزات زنان متحقق گشته اند، نمیتواند حاصل گردد.

در چنین شرایطی است که باید بر هرگونه توهم آفرینی مهر باطل زد، ارتجاع مذهبی را افشاء نمود. از مطالبات و خواسته های مترقی زنان حمایت و پشتیبانی کرد و رادیکالیسم موجود در مبارزات را به هر طریق ممکن تقویت نمود.

(برگزیده از کار ۳۱۱ اسفند ۷۶)